



منبر مکتوب ویژه شهادت سید حسن نصرالله

«شهادت سید مقاومت:
مرگ سازش، تولد نصرت الهی»



کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید

فهرست

- ۷ خلاصه | آثار و برکات شهادت سید حسن نصر الله
- ۷ شهادت شکست نیست!
- ۸ سید حسن نصر الله، عاشق شهات بود
- ۹ حرف کافرانۀ که از دهان مومنان
- ۱۰ فکر نکنید اگر شهید نشویم نمی میریم
- ۱۱ چگونه زندگی و شهادت سید حسن نصر الله با برکت است؟
- ۱۹ نصرت خدا کجاست؟
- ۲۱ آغاز نصرت الهی...
- ۲۲ روضه علمدار

• "شهادت سيد مقاومت: مرگ سازش، تولد
نصرت الهی"



« خلاصه | آثار و برکات شهادت سید حسن نصرالله حجرتعالیه »

تقویت فرهنگ شهادت‌طلبی در جامعه: شهادت ایشان موجب گسترش فرهنگ شهادت‌طلبی و فداکاری در میان مردم و نسل‌های آینده شد.

مرگ سازشکاری: با شهادت او، سازشکاری در برابر دشمن به طور کامل از بین رفت و عزم مردم برای مقاومت افزایش یافت.

دشمن‌شناسی: شهادت سید حسن نصرالله حجرتعالیه به درک عمیق‌تری از میزان خباثت و پستی دشمن کمک کرد و مردم را نسبت به رذالت آنان آگاه‌تر ساخت.

تکثیر سید حسن نصرالله حجرتعالیه: دشمن کور خوانده مادر جبهه مقاومت هزاران سید حسن نصرالله حجرتعالیه داریم.

« شهادت شکست نیست! »

اگرچه شهادت سید حسن نصرالله حججه السلام تلخ است و دشمن فکر می‌کند به شهادت رساندن سید حسن نصرالله حججه السلام به ما و جبهه مقاومت ضربه وارد کرده است، اما در طراحی خدا، شهادت شکست نیست نه برای خود سید حسن نصرالله حججه السلام نه برای جامعه و جبهه مقاومت.

اما چرا برای خود سید حسن، شکست نیست؟ چون یک عمر آرزوی شهادت داشت. کسی که معشوقش شهادت است، چطوری از معشوق خودش فرار کند؛ نه تنها فرار نمی‌کند بلکه انتظار شهادت را هم می‌کشد. همان طور که قرآن می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب، ۲۳) از میان مومنین، همه مومنین این طوری نیستند، بلکه عده خاص و برگزیده این طوری هستند که مردانی هستند که پای عهدشان با خدا که پایداری در میدان مبارزه با دشمن و فرار نکردن از مقابل دشمن است صادقانه می‌مانند عده از آنها شهید می‌شوند و عده منتظران شهادت هستند و اینها تغییر نمی‌کنند.

« سید حسن نصرالله حججه السلام، عاشق شهادت بود »

سید حسن نصرالله حججه السلام، عاشق شهادت بود، برای شهادت لحظه شماری می‌کرد. مثل جدش امیرالمومنین که گریه می‌کرد و به پیغمبر می‌فرمود چرا یا رسول الله صلی الله علیه و آله شهید نمی‌شوم؟ حضرت می‌فرمود علی جان! نگران نباش؛ تو هم روزی شهید خواهی شد. خود پیغمبر چقدر عاشق شهادت بود.

پیغمبر ﷺ خدا فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي أَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ؛ قَسَمٌ بِهِ أَنْ كَهْ جَانِمِ دَرِ دَسْتِ اؤوسْتِ، دؤوسْتِ دَارمِ كَهْ دَرِ رَاهِ خُدَا كَشْتَه شؤومِ و سِپسِ زندهِ گِردمِ و بآزِ كَشْتَه شؤومِ و بآرِ دِیْگَرِ زندهِ گِردمِ و بآزِ كَشْتَه شؤومِ.»^(۱) مگر در این شهادت چه خبر است که اولیای خدا این طوری برای شهادت دست و پا می‌شکنند. عاشق شهادت هستند.

« حرف کافرانۀ که از دهان مومنان

بعضی‌ها فکر می‌کنند شهادت از دست دادن عمر است، یا اگر مثلا سید پا به میدان مبارزه با دشمن نمی‌گذاشت، الان زنده بود. در حالی که خدا این تصورات و حرف‌ها را حرف‌های کافرانۀ قلمداد می‌کند. می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا لِأَخْوَانِهِمْ إِذَا صَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا عُرَى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا؛ أَي كَسَانِي كَهْ ائِمَانِ اؤورده‌ايد! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می‌روند، یا در جنگ شرکت می‌کنند (و از دنیا می‌روند و یا کشته می‌شوند)، می‌گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند!» (آل عمران، ۱۵۶)

شهادت عمر کسی را کم و زیاد نمی‌کند. شهادت انتخاب نوع مرگ است. هیچ کسی حق ندارد نوع مرگ خودش را انتخاب کند. بعضی‌ها با بیماری از دنیا می‌روند بعضی‌ها با تصادف، تنها شهیدان هستند که مرگ خودشان را انتخاب می‌کنند که چگونه

باشد؟ به بهترین شکل فرمود: « أَشْرَفَ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ ؛
با شرافت ترین نوع مرگ، مرگ با شهادت است.» (الفقیه، ج ۴،
ص ۴۰۲) اصلاً دیگر مرگ نیست، انتخاب زندگی دیگر است.

یک آقایی در نجف آباد شهری که خیلی شهید داده، یکی از
خواهران من آن جا سال ها زندگی می کرد در زمان جنگ کاملاً
آنجا بودند، واسه مأموریتی که همسرشان داشتند و این ها،
می گفتش که ما اینجا یک مادری بود هر سفره ای برای هر امام
و امامزاده عظیم الشانی و یا امامزاده غریبی می شد بیاندازد،
مادرش انداخت بچه من سربازی رفته، رفته جبهه شهید نشود
برگردد! بچه اش برگشت پاشد برود سرکار، خواستگاری، همان
هفته اول رفتند، هفته دوم داشت می رفت سرکار با دو چرخه آمد
از سر چهار راه رد بشود صبح اول وقت، یک ماشین هم از آن
طرف، صبح اول وقت، نمکین زد به این آن هم نمکی سرش
خورد به آسفالت ضربه مغزی شد فوت کرد! مادری می گفت گریه
می کرد کاش من حداقل بچه ام شهید شده بود!

« فکر نکنید اگر شهید نشویم نمی میریم »

رفقا همه ما روزی از دنیا خواهیم رفت دیر یا زود اما فکر نکنید اگر
شهید نشویم نمی میریم حضرت فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْمَوْتَ لَا
يَفُوتُهُ الْمُقِيمُ وَلَا يُعْجِزُهُ الْهَارِبُ لَيْسَ عَنِ الْمَوْتِ مَحِيصٌ وَمَنْ لَمْ
يَمُتْ يُقْتَلْ ؛ ای مردم! مرگ از کسی که در خانه اش نشسته است
نمی گذرد و فراری را ناتوان نمی کند. هیچ راهی برای فرار از مرگ
نیست و هر کس که نمی میرد، کشته خواهد شد.» (کافی، ج ۵،
ص ۵۴)



در قرآن هم فرمود: اگر جهاد نیاید فکر نکنید دیگر خبری از مرگ نیست. بعد فرمود: «أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسَيَّدَةٍ؛ هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید!» (نساء، ۷۸). پس رفقا مرگ هست اگر شهید نشوی، می میری. و چقدر فرق است بین مردن با شهید شدن که حضرت امیر علیه السلام در ادامه حدیث می فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مَيِّتَةٍ عَلَيَّ فِرَاشٍ؛ و بی تردید، بهترین نوع مرگ، کشته شدن است. به جان خودم قسم، هزار ضربه با شمشیر بر من آسان تر از مردن بر بستر است.» (کافی، ج ۵، ص ۵۴) پس بی تردید کسی که سود کرده است شهید سید حسن نصرالله رحمته الله علیه است.

ادبیات خدا هم جالب است درباره شهادت وقتی می خواهد حرف بزند با ادبیات کاسب ها و بازاری ها حرف می زند. من جان تو را می خرم. خدایا! ببخشید ما می خواهیم فداکاری کنیم، خدا می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ» (توبه، ۱۱۱) من خریدارم. یعنی تو فکر نکن با شهادت چیزی را از دست دادی، با شهادت سود کردی، برد کردی.

« چگونه زندگی و شهادت سید حسن نصرالله رحمته الله علیه با برکت است؟ »

اما این شهادت با عظمت سید حسن نصرالله رحمته الله علیه چه آثار و برکاتی برای جامعه ما و جبهه مقاومت خواهد داشت؟ چقدر قشنگ است آدم هم حیاتش با برکت باشد، هم شهادتش با برکت باشد. این جمله حضرت عیسی علیه السلام است که فرمود: «وَ

جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ؛ و مرا- هر جا که باشم- وجودی پربرکت قرار داده» (مریم؛ ۳۱) هم زندگی سید حسن نصرالله حجّه الله علیه مبارک بود به معنای اینکه با برکت بود، در اثر آن مجاهدت عظیم مقام معظم رهبری حفظه الله، فرمودند: «برکات تدبیر و جهاد پرچم دار جبهه مقاومت، هرگز از دست نخواهد رفت» (پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی شهادت دبیرکل حزب الله لبنان)؛ چقدر خوب است آدم این طوری زندگی کند هم زندگی او آثار بزرگی دارد، دشمن را از پا می اندازد، دوستان را قوت قلب است و تدبیر او پیش برنده جبهه مقاومت و هم شهادتش چه آثار و برکاتی دارد که عرض خواهم کرد. لذا بر من خرده نگیرید که چرا می گویم شهادتش هم با برکت بود. مقام معظم رهبری فرمودند: «شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض میکنم» تسلیت که مشخص است تبریک برای چه؟ چه برکاتی این شهادت دارد؟

• ۱. تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جامعه

شهادت سید عزیز! حداقل چهار اثر به همراه خودش باری جامعه و جبهه مقاومت دارد. اولین اثر این است که مشتقان و عاشقان شهادت و به تعبیر دیگر تعداد منتظران شهادت جهشی بالا می رود. این سید عزیز شهادت، موجی از جوانان لبنان و جبهه مقاومت رو عاشق شهادت در راه خدا خواهد کرد. ای کاش این



آثار قابل شمارش و اندازه گیری بود. این موجی از شهادت طلبی جوانان چقدر یک جامعه را قوی می‌کند. دشمنان شما از این شهادت طلبی هراس دارند و برای از بین بردن شوق شهادت برنامه ریزی فرهنگی می‌کند، بعضی از درس‌های شهادت طلبی شما را هم بتواند حذف می‌کند.

امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند: «مکرر پیش من آمده‌اند، جوانها قسم داده‌اند به من که شما دعا کنید ما شهید بشویم؛ حالا هم دارند می‌گویند. حالا که دیگر قضیه میدان جنگی نیست، الآن هم به من می‌آیند می‌گویند که شما دعا کنید ما شهید بشویم» (۲۱ خرداد ۵۸) بعد حضرت امام رحمته الله علیه فرمودند: «این تحول اسباب این شد که ما پیش بردیم.» (همان) امام تحلیل دارد برای عاشقان شهادت، حالا چطوری این عشق به شهادت در جامعه تبدیل به فرهنگ می‌شود؟ شهادت مثل سید حسن نصرالله رحمته الله علیه ها.

یکی از کارهایی که این شهدا می‌کنند این است که افراد را برای شهادت آماده می‌کنند، انگار هر کسی شهادت می‌خواهد باید دم اینها را ببیند. هر کسی نمی‌خواهد بمیرد و می‌خواهد شهید بشود، آدرس اش اینجاست. از شهید سید حسن نصرالله رحمته الله علیه بخواهید. اصلاً هر شهیدی می‌رفت عادتش این بود که به خواب دوستانش می‌آمد و دل چند نفر را می‌برد، دستشان را می‌گرفت و آنها را عاشق شهادت می‌کرد. ماجرای شهادت شهید حاج صادقی همین طوری بود، ایشان هم معلم بود و هم روحانی بود، هر دفعه می‌آمد جبهه می‌گفت: «من برای تکلیف می‌آیم، می‌خواهم فعلاً خدمت کنم...» یک روز عصر جمعه بود که آمد



توی هیئت، رفیقش می گوید دیدم حالش منقلب است؛ اصلاً در یک عالم دیگری است!

گفتم: چه شده است؟ گفت: فلان شهید را می شناختی؟ گفتم بله. گفت: قبل از اینکه جبهه برود به او گفتم: اگر شهید شدی، من باید خواب تو را ببینم و از تو یک سؤال دارم. دیشب آمدتوی خوابم. یک دفعه ای یاد سؤالم افتادم. به او گفتم: اینکه امام می فرماید «شهید نظر می کند به وجهه الله» یعنی چه؟ تو وجهه الله را دیدی؟ گفت: یک نگاهی به من کرد که یعنی «من چه جوری به تو بگویم؟!» سکوتی کرد و سرش را پایین انداخت، بعد سرش را بلند کرد و گفت: «فقط بگویم که دیدم؛ چه دیدنی!»

شهادت عادتشان بود که همدیگر را هوایی می کردند. بعد می گوید من هرچه به حاج صادقی می گفتم: «خب حالا تو چرا این جوری شدی؟» همین جوری خیره خیره به من نگاه می کرد. بعد گفت: فلانی من رفتم... همین؛ او هم رفت و در عملیات کربلای ۵ شهید شد. این شهدا کارشان این است.

من نمی خواهم با این حرفها، شما را به کشتن بدهم! اگر هم عاشق شهادت بشوید معلوم نیست؛ شاید پنجاه سال طول بکشد، شاید سالها برای رسیدن به آن، باید گریه کنید. شهید حاج قاسم سلیمانی را دیدید، یک عمری گریه کرد تا به او شهادت دادند. پس اولین اثر خون شهید سید حسن نصرالله رحمته الله علیه، تقویت فرهنگ شهادت طلبی است.



۲. مرگ سازشکاری

اما دومین اثر خون شهید سید حسن نصرالله رحمته الله علیه مرگ سازشکاری است. با شهادت سید حسن نصرالله رحمته الله علیه، زشتی سازشکاری در برابر دشمن به طور کامل روشن شد و اینکه کسی دیگر از این به بعد نباید جرأت کند از سازش با چنین دشمنی حرف بزند. بعضی‌ها می‌گویند آقا مقاومت هزینه دارد پس برویم سازش کنیم مقام معظم رهبری حفظه الله چه فرمودند: «هزینه سازش بیشتر از هزینه مقامت است» ما باید دستگاه محاسباتی خود را به دست ابلیس نسپاریم. اگر مسئولین بنشینند و بگویند که ما در اینجا موشک بزنیم و آن‌ها هم یک موشک بزنند و این باعث شود که یک پمپ بنزین در اینجا آتش بگیرد، این محاسبه می‌تواند بدترین نوع محاسبه برای نابودی باشد. بزرگترین شعار ما پس از شهادت سید حسن نصرالله رحمته الله علیه، مرگ بر سازش است. و رجال سیاسی که این شعارش نباشد، در قعر دوزخ قرار می‌گیرد. سازشکاران چه ویژگی‌هایی دارند، خداوند متعال می‌فرماید: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛ کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می‌بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» (مائده، ۵۲) یکی از مهم‌ترین ویژگی آنها این است که جامعه را از دشمن می‌ترسانند، ترس موهم و توهم زادر



جامعه تولید می‌کنند.

رئیس این سازشکاران در صدر اسلام، چند نفر بودند. سازشکاران را با سامری مقایسه کردند. من هر موقع این داستان سامری را یادش می‌افتم می‌گویم سامری بابا تو دیگر کی هستی؟! چه کردی تو! آن همه معجزه مردم یادشان رفت! آن همه شکنجه مردم یادشان رفت! عجب هنرمندی تو! آخرشی! مردم را گوساله پرست کرد!

یک قومی هستند بیشترین شکنجه و عذاب از فرعون، بیشترین معجزات الهی در نجات از دشمن، بیشترین معجزات الهی در نعمات، بعد یک سامری می‌آید آش را با جاش برمی‌دارد می‌برد. خب یا رسول الله این ماجرا چیست؟ ما از این حالا چه درسی باید بگیریم؟ به ما چه ربطی دارد؟ رسول خدا و دیگر ائمه هدی در روایات فرمودند همان جور که قوم بنی اسرائیل یک سامری پیدا شد گوساله پرست شان کرد، دین پیغمبر امت پیامبر هم بعد از پیامبر بین شان سامری پیدا خواهد شد. عجب! خب یا رسول الله، سامری بعد از شما کیست چه جوری است؟ روایت‌های متعددی هست، یک روایتش را بخوانم برایت. می‌فرماید سامری قوم موسی شعارش این بود «لا مِساس»؛ دست به من نزنید. می‌فرماید اما سامری امت من بعد از من شعارش چیست؟ «لا قِتال»؛ جنگ نیست، جنگ خوب نیست، درگیری خوب نیست. این کارش می‌گیرد.

ابوموسی اشعری نماینده مذاکره‌کننده امیرالمؤمنین علی ع با معاویه شعارش چی بود؟ «لا قِتال». یک مدتی است آقایان بعد از انقلاب، بعد از دفاع مقدس، حتی در زمان دفاع مقدس



به این طرف یک عده‌ای شروع کردند این شعار «لَا قِتَالَ» را، این شعار آقا بیاید با جهان کنار بیاییم، آقا کی گفته همه‌اش دنیا با ما در حال جنگ است، آقا بیاید صلح بهتر از جنگ است، این را شروع کردند در کشور رواج دادند. قوم حضرت موسی اگر راحت می‌توانستند از سامری نجات پیدا کنند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام اگر راحت می‌توانست از سازشکاری ابوموسی اشعری‌ها نجات پیدا بکند، ما هم می‌توانستیم راحت نجات پیدا بکنیم. منتها یک جریانی پیش آمده‌هی به مردم تلقین می‌کند نه می‌توانیم در صلح زندگی کنیم، می‌توانیم با مذاکره مشکلات خودمان را برطرف بکنیم. با کی؟ با دشمنی که حد ندارد برای جنایت‌کردنش!

• ۳. دشمن‌شناسی

سومین اثر خون شهید سید حسن نصرالله رحمته الله علیه دشمن‌شناسی است. یکی از باورهای سخت نسبت به دشمن، باور میزان خباثت و پستی دشمنان است، خیلی‌ها باور نمی‌کنند، دشمنان ما چقدر به خون ما تشنه هستند، چقدر نفرت در دل آنها از ما هست، بی رحم‌ترین و کثیف‌ترین کارها را برای نابودی شما انجام می‌دهند. خداوند متعال می‌فرماید: «هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ



إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمْ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ شما کسانی هستید که آنها را دوست می‌دارید؛ اما آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.» (آل عمران، ۱۱۹)

در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!» (آل عمران، ۱۸)

چقدر اینها از شما نفرت دارند، فقط خدا می‌داند. آنها اگر دستشان به شما برسد، شما را تا تکه تکه نکنند دست بر نمی‌دارند. با شکنجه شما را می‌کشند، با شدیدترین وجه ممکن شما را می‌خواهند از بین ببرند. شما دیدید در شهادت سید حسن نصرالله عنه‌السلام چقدر بمب استفاده شده است؟ رسانه صهیونیستی گزارش کرد که جنگنده‌های اسرائیلی ۸۵ بمب سنگر شکن که

وزن هر کدام یک تُن بوده را در این عملیات برای ترور سید حسن نصرالله استفاده کردند.^(۱) این حجم را ببینید؟! جدای از تخریب بالا، شدت و نفرت آنها را می‌رساند. حالا البته در خبر دیگری آمده است که این بمب‌ها هدیهٔ آمریکا به اسرائیل بوده است.^(۲) بعضی‌ها می‌خواهند بین اسرائیل و آمریکا در جامعهٔ ما فرق بگذارند، بگویند اسرائیل بد است، آمریکا بد نیست در حالی که سگ برادر شغال است و ما هیچ وقت با سگ و شغال‌ها نمی‌توانیم برادر شویم. شهید سید حسن نصرالله رحمته الله علیه به ما میزان و شدت نفرت و دشمنی اسرائیل را نشان داد که قرآن هم شدیدترین دشمن را یهود معرفی می‌کند. می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ» (مائده، ۸۲) ای پیامبر، قطعاً این حقیقت را خواهی یافت که شدیدترین دشمنی با مؤمنان از جانب یهودی‌ها است.

چرا اینها شدیدترین دشمن هستند؟ برای اینکه یهودی‌های صهیونیست در تعلیمات دینی خود تصریح می‌کنند که خدا دو نوع حیوان آفریده؛ یک حیوان چهارپا و یک حیوان دوپا که انسان‌های غیر یهودی هستند. لذا هر کدام از اینها را به قتل برسانیم اساساً هیچ حقی ضایع نشده چون آنها اصلاً حقی ندارند.

برای آموزش و پرورش کشورهای اسلامی من جمله کشور خودمان تأسف می‌خورم اگر این آیهٔ قرآن را به کودکان یاد ندهند. بدترین دشمنان ما همین یهودی‌ها هستند که در

۱ خبر فوری، رادیو ارتش صهیونیستی: برای ترور نصرالله از ۸۵ تُن بمب استفاده شد،
 ۲ خبر فوری، دسترسی در: «<https://eitaa.com/akhbarefori>»/۲۹۱۰۶۹

دینِ خودشان سلطه‌طلبی بر انسان‌ها را تعبیه کرده‌اند. اینها خودشان را به عنوان قوم برگزیده معرفی کرده و به عنوان امر خدا انسان‌ها را می‌کشند.

دیدید چقدر شاد شدند، از شهادت سید حسن نصرالله حججه السلام؟! از میزان نفرت آنها بود اینطوری با شدت سید ما را به شهادت رساندن. واقعا آدم تازه روضه حضرت عباس را می‌فهمد، آخ ما شنیده ایم عباس رشید بود، اما چرا قبرش اینقدر کوچک است؟ وقتی دشمنان دستشان به عباس رسید، عباس را که عادی نکشتند، از شدت نفرت علمدار حسین را تکه تکه کردند. لعنت بر این دشمن! چطوری ما نفرت از دشمن را می‌توانستیم تجربه کنیم؟ از شدت جنایت دشمن و این بزرگترین کمک خدا به ما است که امام سجّاد ع: «كَفَى بِنَصْرِ اللَّهِ لَكَ أَنْ تَرَى عَدُوَّكَ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ فِيكَ؛ «این کمک و این نصرت از خدا برای مومن کافی است که مومن ببیند دشمن او درباره تو به معصیت خدا می‌پردازد.» (تحف العقول، ص ۲۷۸) ببین اسرائیل چقدر جنایت می‌کند؟! بدن‌های که داخل کیسه پلاستیک جمع می‌شوند را ببین!؟

۴۰. تکثیر سید حسن نصرالله حججه علیه

اما آخرین اثر خون شهید سید حسن نصرالله حججه علیه را می‌خواهم عرض کنم این است که با شهادت او دشمن فکر کرد که کار جبهه مقاومت را یکسره کرده است اما خودش خبر ندارد یا خودش را به بی‌خبری زده است که به قول مقام معظم رهبری: «سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت.» هزاران سید حسن نصرالله حججه علیه در حال تربیت شدن در جبهه مقاومت است. قرآن می‌فرماید: «ما نَنْسُخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره، ۱۰۶) یعنی هر آیه‌ای را که به هر دلیلی ببریم یک آیه بهتر یا مثل آن را جایگزین می‌کنیم شما مگر نمی‌دانید که خدا بر هر کاری قدرتمند است. سید عباس رفت، سید حسن آمد با قدرت هم این جبهه را پیش برد. مقام معظم رهبری فرمودند: «دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را؛ و جبهه‌ی مقاومت پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله‌ی او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه‌ی مقاومت

بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، بحول و قوه‌ی الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است.»

• وظیفه ما در مقابل خون شهید سید حسن نصرالله حجّة الله علیه چیست؟

« نصرت خدا کجاست؟ »

اما این همه خون شهید سید حسن نصرالله حجّة الله علیه برای ما برکات داشت، زندگی او هم برای ما برکات دارد اما آیا ما نسبت به خون شهید سید حسن نصرالله حجّة الله علیه وظیفه نداریم؟ انتقام که سر جای خودش اما مسئله مهم تر این است. اجازه بدهید با طرحی این مسئله پاسخ بدهم که وظیفه ما نسبت به خون شهید سید حسن نصرالله حجّة الله علیه چیست؟

شاید برای برخی این پرسش پیش بیاید که چرا امروز نصرت خدا را کمتر می‌بینیم؟ آیا این همان خدای بدر، احد و حنین نیست؟ آیا خدا وعده یاری را فراموش کرده است؟ آیا این همان خدایی نیست که نصرت می‌دهد؟ پس نصرت خدا کجاست؟ این سوال، سوال دو گروه است یکی گروه معترضین دیگری گروه منتظرین. مثل بچه‌ای که می‌داند مادرش غذا درست



کرده منتظر است غذا را مادر بیاورد می گوید مامان! پس غذا چه شد؟ خدا در پاسخ به چنین تقاضایی می فرماید: « أُمَّ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد:) آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است!» (بقره، ۲۱۴)

بی شک، نصرت خدا نه تنها کمتر نشده، بلکه از ابعاد دیگری افزایش یافته است. اما از ما نیز انتظاراتی دارد. خداوند در قرآن شرط گذاشته است: اگر یاری دهید، یاری می شوید. پس معلوم می شود ما به اندازه کافی جبهه مقاومت را یاری نکرده ایم. به همین دلیل، نصرت خدا بیش از این شامل حال ما نمی شود.

مقام معظم رهبری فرمودند: «بر همه ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند.» جدای از این که این جهاد واجب است، این کلام هشدار است. شاید در یاری حق کوتاهی کرده ایم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اگر در یاری حق کوتاهی نمی کردید، دشمنان هرگز جرات نمی کردند علیه شما اقدام کنند؛ اَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَّخِذُوا عَنْ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهْنُوا عَنْ

تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَظْمَعْ فِيكُمْ مَن لَيْسَ مِثْلَكُمْ وَ لَمْ يَقْوَ مَن قَوِيَ عَلَيْكُمْ» (نهج البلاغه، ص ۲۴۱) امروز خداوند از تمام امت اسلامی انتظار یاری دارد. نه فقط از ایران و عراق و یمن، بلکه از تمام مسلمین. ما در محضر رسول خدا ﷺ هستیم. او ناظر اعمال ماست.

هرگز نباید تردید کرد. مسیر حق خاموش نمی شود. هر ستاره‌ای که برود، ستاره‌ای دیگر درخشان خواهد شد. هزاران سید حسن نصرالله رحمته الله علیه ها در میان ما هستند. اما خدا امروز از ما توقع یاری دارد. عبور از غم‌ها و دردها مشروط به یاری است. وگرنه دشمن جسورتر خواهد شد. رفقا قبول کنید ما در نصرت خدا ما کم گذاشتیم سید حسن نصرالله رحمته الله علیه به ما آموخت: اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری خواهد کرد. شهادت نصرالله عزیز، بزرگترین نصرت خدا برای بیداری ملت‌هاست. این شهادت یاری خدا برای مظلومان عالم، از جمله غزه، لبنان و فلسطین است. حالا حریف شما شهید نصرالله است با امکانات بیشتر.

« آغاز نصرت الهی... »

یقین بدانید شهادت سید مقاومت آغاز عالی‌ترین نصرت الهی است و اندوه عظیم امت اسلام تماما سرمایه فتح نهایی خواهد شد و خشم نیروهای مقاومت دیگر فرصت به دشمن نخواهد داد. بنای رفیع مقاومت که او در این سالها ساخته، مانند شجره طیبه‌ای است که اصلها ثابت و فرعها فی السماء هرآن میوه خواهد داد و هرگز نابود شدنی نیست بلکه دشمنان خود را با این سازمان



جهادی جهانی نابود خواهد کرد.

در طول تاریخ تشیع کدام کتاب علمی به قدر عمل او حقانیت شیعه را در جهان اسلام به اثبات رسانده است؟ در طول تاریخ اسلام کدام رهبر به قدر او مستقیماً با یهود عنود جهاد پیروزمندانه داشته است؟ در طول تاریخ مبارزه با ظلم کدام رهبری به اندازه او برای آزادی خواهی مسلمانان افتخار آفریده است؟

به سید مقاومت افتخار میکنیم که شهادت او مرگ سازشکاری را رقم زد و راه بازگشت به دوران ضعف را مسدود کرد و حقانیت مقاومت را به اثبات رساند.

یادمان باشد وقتی سید عباس موسوی شهید شد چقدر غریب بودیم و از آن ضعف با قدرت امروز رسیده ایم یقین داشته باشید در آینده بسیار قوی تر خواهیم شد.

« روضه علمدار

روضه علمدار را اشاره کردم، یا ابا عبدالله! یا ابا عبدالله! یک جمله ای شما کنار نهر علقمه گفתי جگرها تا روز قیامت آتش گرفته است. خیلی این جمله سخت است، من می خواهم روضه بخوانم و این جمله را می خواهم صریحاً بیان کنم، هیچ وقت یک فرمانده نظامی نباید اظهار شکست کند اما حسین علیه السلام کنار نهر علقمه فرمود «الآن انكسر ظهري» من اعتراف می کنم کمرم شکست! حسین! این قدر ما برای این لحظه تو گریه می کنیم تا چنین لحظه ای دیگر در تاریخ تکرار نشود، «الآن انكسر ظهري».

جمله دوم حسین چه بود؟ «وَقَلَّتْ حَيْلَتِي» یعنی چاره از دستم



رفت عبّاس! عبّاس! حسین را کنار نهر علقمه به «چه کنم»
واداشتی عبّاس! یل لشگر حسین علیه السلام! آقا قمر بنی هاشم امید همه
اهل خیام بود، تمام حماسه به مدد عبّاس بود.

دوستان من! دشمن دوست نداشت که جنگ تن به تن بشود.
از صبح دستور داده بود با اینها تن به تن نجنگید، چون اینها برای
کشته شدن آمده اند. اینها از امیرالمؤمنین علیه السلام انرژی می گیرند. اینها
بچه های امیرالمؤمنین علیه السلام هستند، آنها دوست داشتند با یورش
یک باره، لشگر را بریزند و کار را یکسره کنند، چه شد که از صبح
تا عصر عاشورا این حماسه برقرار شد؟ قاسم به تنهایی میدان
می رود، علی اکبر به میدان می رود، زینب می آید بدن علی اکبر را
ملاقات می کند، چه غوغایی است! چه صحنه پر حماسه ای است!
یک کمی آدم فکر می کند. لشگر دشمن که اراده داشتند همه چیز را
به یک باره از بین ببرند، پس چه جوری توانستند این حماسه کربلا
را تحمل کنند؟

امان از بیرق عبّاس! امان از علم عبّاس! تا وقتی بیرق عبّاس
گوشه میدان برقرار بود مگر کسی جرأت می کرد نظم میدان را به
هم بزند؟ اما آن لحظه ای که بیرق عبّاس روی زمین افتاد، دیگر
حسین علیه السلام در خیمه هم امان نداشت، آمد با علی اصغر خداحافظی
کند همان جا تیرباران کردند....



